



علامه جوادی آملی قائل به اتحاد دین و اخلاق است/ هشدار نسبت به ترویج اخلاق سکولار

دیدگاه علامه جوادی آملی درباره نسبت دین و اخلاق، دیدگاه اتحاد است؛ ایشان با مشی بر مبنای علامه طباطبایی قائلند که دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق و اعمال است که براساس این دیدگاه، اخلاق جزئی از دین و با آن متحد خواهد بود.

دیدگاه علامه جوادی آملی درباره نسبت دین و اخلاق، دیدگاه اتحاد است؛ ایشان با مشی بر مبنای علامه طباطبایی قائلند که دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق و اعمال است که براساس این دیدگاه، اخلاق جزئی از دین و با آن متحد خواهد بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی خلیلی، مدیر گروه اخلاق پژوهشکده علوم وحیانی معارج و از شاگردان علامه جوادی آملی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با طرح مباحثی در موضوع نسبت دین و اخلاق، به تبیین نظر آیت‌الله العظمی جوادی آملی در این باره پرداخت که بخشی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم.

خلیلی با بیان این که مسئله رابطه دین و اخلاق یکی از مسائل عمده امروز، مخصوصاً در جامعه ماست، اظهار کرد: یکی از سؤالاتی که معمولاً جوانان مطرح می‌کنند و سؤالی کاملاً به‌جاست و از دیرباز تا به امروز دغدغه بزرگان، علما، مفسران و خصوصاً علمای علم اخلاق بوده است و مطالب زیادی در این زمینه به صورت کتاب یا مقاله نوشته شده است، رابطه دین و اخلاق است؛ که البته چیزی است که در آیات و روایات پاسخ آن آمده است و مطلب در باب آن روشن است.

دیدگاه تباین، دیدگاه اتحاد و دیدگاه تعامل سه دیدگاه مطرح درباره نسبت دین و اخلاق

وی با اشاره به این که آن چه مجموعاً تا به حال در این باب گفته شده، در قالب سه دیدگاه قابل دسته‌بندی و طرح است، عنوان کرد: دیدگاه تباین، دیدگاه اتحاد و دیدگاه تعامل سه دیدگاهی هستند که می‌توان گفت همه آراء مطرح شده در باب رابطه دین و اخلاق را دربرمی‌گیرند؛ که براساس دیدگاه اول هیچ ارتباطی میان دین و اخلاق وجود ندارد؛ براساس دیدگاه دوم، اخلاق و دین متحدند و اخلاق جزئی از دین است و براساس دیدگاه سوم اخلاق و دین هر کدام هویت مستقلی دارند اما بر همدیگر تأثیرگذارند.

شاید افرادی که دیدگاه تباین را تقویت می‌کنند، درصدد این هستند که اخلاق سکولار یا به تعبیر دیگر اخلاق بی‌بندوباری یا اخلاق اباحه‌گری را تقویت کنند و از همین روی این دیدگاه نمی‌تواند مورد قبول و پذیرش دین واقع شود

نظریه تباین یا اخلاق سکولار و بدون خدا

مدیر گروه اخلاق پژوهشکده علوم وحیانی معارج در توضیح دیدگاه تباین گفت: براساس این موضع، بین دین و اخلاق هیچ ارتباطی وجود ندارد و دین متباین از اخلاق است و اخلاق جدای از دین. تقریباً می‌توان گفت که امروزه آن چه در جامعه ما تحت عنوان اخلاق سکولار مطرح است، همین دیدگاه را تقویت می‌کند. این دسته از علما که غالباً شاید روشنفکران ما باشند، معتقدند که ما می‌توانیم اخلاق بدون دین یا به تعبیر دیگر اخلاق بدون خدا داشته باشیم؛ یعنی اعتقادی به دین و مبدأ و معاد نداشته باشیم، ولی انسانی اخلاقی باشیم.

خلیلی در مورد مستدلّات قائلان به این دیدگاه بیان کرد: از نظر این افراد دین مربوط به حوزه ارتباط انسان با خداست و آموزه‌های دینی راجع و مربوط به چنین ساحتی است، اما اخلاق در چنین ساحتی مطرح نیست. در مقوله اخلاق شما با خدا ارتباط ندارید، بلکه اخلاق بیانگر ارتباط انسان‌ها در جامعه است و گزاره‌های اخلاقی بیانگر باید‌ها و نبایدهای چنین ارتباطی است. بنابراین گزاره‌های اخلاقی از گزاره‌ها و آموزه‌های دینی جداست و در نتیجه هیچ ارتباطی نیز میان دو مقوله اخلاق و دین وجود ندارد.

وی با اشاره به تعبیری که این افراد برای توضیح مواضع تلاقی دین و اخلاق به کار می‌برند، عنوان کرد: هر چند این دیدگاه به عقیده ما باطل است، اما تعبیر به ظاهر زیبایی دارند، مبنی بر این که اخلاق و دین هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و مانند دو مسافر هستند که در مسافرت، تصادفاً همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ یعنی شما گاهی می‌بینید که میان گزاره‌ای اخلاقی با گزاره‌ای دینی ارتباط برقرار می‌شود، اما این ارتباط نشان‌دهنده ارتباط خود دین و اخلاق نیست؛ چرا که این دو در روش و در غایت با هم متفاوتند و اختلاف

این شاگرد استاد علامه جوادی آملی اضافه کرد: این حرفی است که امروز در جامعه ما قائلانی دارد و متأسفانه عده‌ای نیز به آن دامن می‌زنند؛ در حالی که به عقیده ما و براساس آیات و روایات این دیدگاه باطل است.

براساس دیدگاه اتحاد، اخلاق جزئی از دین است

خلیلی درباره دیدگاه دوم یعنی دیدگاه اتحاد بیان کرد: مقصود از اتحاد در اینجا این است که اخلاق جزئی از دین است و از این رو با یکدیگر متحدند. ما برای این که بتوانیم مطلب را تبیین کنیم، لازم است که معنا و مفهومی از دو واژه اخلاق و دین داشته باشیم. به تعبیر دیگر باید ابتدا مبادی تصویری بحث روشن شود و بعد وارد مبادی تصدیقی بحث شویم. پس از این که واژه‌های اخلاق و دین جایگاه خود را پیدا کنند و ما بفهمیم که هر کدام دقیقاً به چه معناست، آن‌گاه می‌توانیم درباره ارتباط آن‌ها یا عدم ارتباطشان با هم بحث کنیم.

علامه طباطبایی با توجه به تعریفی که از دین ارائه می‌دهد و آن را مجموعه‌ای از تعالیم الهی معرفی می‌کند که برای سعادت بشر از جانب خداوند بر انبیاء نازل شده است، در واقع اخلاق را جزئی از آن برمی‌شمرد. بر این اساس دین تعلیم خاص یا منحصر به بعدی خاص از انسان نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تعالیم است؛ که سه بعد عقاید، احکام و اخلاق را دربرمی‌گیرد

وی با بیان این که علامه طباطبایی، امام(ره)، شهید مطهری و بسیاری از بزرگان فعلی که در جامعه حضور دارند و از شاگردان علامه و امام(ره) هستند، غالباً همین دیدگاه را قبول دارند، گفت: علامه طباطبایی در «المیزان»¹⁷¹، که یکی از آثار و تفاسیر گران‌بها و گران‌سنگ معاصر ماست، در جلد 12، صفحه 72، بسیار زیبا این دیدگاه را تبیین می‌کنند و می‌گویند که دین درختی است که عقاید ریشه این درخت، اخلاق تنه آن و احکام شاخ و برگ آن است.

مدیر گروه اخلاق پژوهشکده علوم و حیانی معارج ادامه داد: یعنی علامه طباطبایی با توجه به تعریفی که از دین ارائه می‌دهد و آن را مجموعه‌ای از تعالیم الهی معرفی می‌کند، که برای سعادت بشر از جانب خداوند بر انبیاء نازل شده است، در واقع اخلاق را جزئی از آن برمی‌شمرد. بر این اساس دین تعلیم خاص یا منحصر به بعدی خاص از انسان نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تعالیم است؛ که بنا بر رأی غالب علمای ما، که در واقع برگرفته از قرآن و روایات است، سه بعد عقاید، احکام و اخلاق را دربرمی‌گیرد.

این محقق و پژوهشگر افزود: وقتی دین را مجموعه‌ای از تعالیم الهی بدانیم که از جانب خدا برای سعادت بشر بر انبیاء نازل شده است، با این تعریف، می‌توانیم اخلاق را جزئی لاینفک از دین بدانیم. بر این اساس اگر اخلاق نباشد، دین ناقص است. همان طور که اگر احکام نباشد و کسی به واجبات و محرمات دین پایبند نباشد، نمی‌تواند دیندار واقعی باشد و همان طور که اگر کسی به مبدأ و معاد اعتقادی نداشته باشد، او هم دینداریش کامل یا دین‌شناسیش کامل نیست. بنابراین هر بعدی از ابعاد سه گانه عقاید و اخلاق و احکام، در فردی کاستی داشته باشد، در حقیقت، آن فرد دیندار واقعی نیست. به همین خاطر علامه طباطبایی می‌فرمایند که دین در واقع با اخلاق به هم تنیده شده و اخلاق جزئی از دین ما محسوب می‌شود.

خلیلی از این دیدگاه به عنوان دیدگاه مختار آیت‌الله العظمی جوادی آملی یاد کرد و گفت: ایشان بر مبنای استاد خودشان، یعنی علامه طباطبایی مشی می‌کنند و دیدگاه ایشان و نگاه ایشان درباره نسبت دین و اخلاق، با توجه به آیات قرآن و روایات، همین دیدگاه اتحاد است و در آثار متعدد آیت‌الله العظمی جوادی آملی و از جمله در تفسیر تسنیم، جلد اول، صفحه 598 و در کتاب «171 مراحل و مبادی اخلاق» و در آثار دیگر ایشان، این مطلب کراراً بیان شده است که دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق و اعمال است؛ که براساس این دیدگاه اخلاق جزئی از دین خواهد بود.

این شاگرد علامه جوادی آملی با بیان این که دیدگاه تباین چندان با متون روایی ما و سیره رسول گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) سازگار نیست، خاطرنشان کرد: شاید افرادی که دیدگاه تباین را تقویت می‌کنند، درصدد این هستند که اخلاق سکولار یا به تعبیر دیگر اخلاق بی‌بندوباری یا اخلاق اباحه‌گری را تقویت کنند و از همین روی این دیدگاه نمی‌تواند مورد قبول و پذیرش دین واقع شود و در مقابل این دیدگاه، نظر علامه جوادی آملی و موافقان با ایشان قرار دارد که از متون دینی برخاسته و به عنوان دیدگاه اتحاد در مقابل دیدگاه تباین قرار گرفته است.